

یورگن روله

# ادبیات و انقلاب

[نویسندگان روس]

ترجمه

علی اصغر حداد



انتشارات بهار

روله، یورگن، ۱۹۲۴-م. Rühle, Jürgen	سرشناسه
ادبیات و انقلاب از [نویسندگان روس] / یورگن روله؛ ترجمه علی اصغر حداد.	عنوان و نام پدیدآور
تهران: نیلوفر، ۱۳۹۵.	مشخصات نشر
۳۰۲ ص. ۲۱×۱۴ س.م.	مشخصات ظاهری
۹۷۸-۹۶۴-۴۴۸-۶۸۷-۶	شابک
فیبا.	وضعیت فهرست‌نویسی
کتاب حاضر برگزیده و ترجمه بخشی از کتاب	یادداشت
Literatur und revolution; die schriftsteller und der kommunismus است.	
کتابنامه: ص. ۲۸۱-۲۹۴.	یادداشت
نمایه.	یادداشت
کمونیسم و ادبیات	موضوع
Communism and literature	موضوع
ادبیات روسی -- قرن ۲۰ م. -- تاریخ و نقد	موضوع
Russian literature -- 20th century -- History and criticism	موضوع
ادبیات آلمانی -- قرن ۲۰ م. -- تاریخ و نقد	موضوع
German literature -- 20th century -- History and criticism	موضوع
حداد، علی اصغر، ۱۳۲۳- مترجم	شناسه افزوده
۱۳۹۵ ۳۷۰۱۳۵ الف ۹ ر / PN ۵۱	رده‌بندی کنگره
۱۰۹/	رده‌بندی دیویی
۲۴۴ ۳۱	شماره کتابشناسی ملی



خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، تلفن: ۶۶۴۶۱۱۱۷

یورگن روله

ادبیات و انقلاب [نویسندگان روس]

ترجمه علی اصغر حداد

حروفچین: حمید سناجیان

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۵

چاپ گلبان

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

همه حقوق محفوظ است

فروش اینترنتی: [www.behanbook.ir](http://www.behanbook.ir)

## فهرست مطالب

- ۷ ..... نویسنده: همونیا (جورج استاینر)
- ۲۳ ..... ستاره در آسمان آبی  
بلوک / یسین / داناگ اسکیم
- ۴۹ ..... مراسم تدفین روشنفکری  
ماکسیم گورکی: کلیم سامکین
- ۷۳ ..... نخستین مکاشفه جهان توالتیتر  
یوگنی زامیاتین: ما
- ۸۷ ..... آثار کلاسیک دوران انقلاب  
آلکساندر سرافیموویچ: سیلاب آهنین / دمیتری فورمانوف / جالب / آلکساندر فادیف:  
نابودی / ایساک بابل: سواره نظام / لئونید لئونوف: گورکن / دانسانتس فاین: شهرها و  
سالها / فیودور گلاتکوف: سیمان / یوری آلیشا: حسد / پاریس پیلنیاک: ماگ به دریای  
خزر می‌ریزد
- ۱۱۱ ..... حماسه قزاق‌ها  
میخائیل شولوخوف
- ۱۴۵ ..... دوره تاریخی تربیت کمونیستی  
نیکالای اوگنیوف: یادداشت‌های روزانه کوستیا ریابتسف / آنتون ماکارنکو: داستان

پداگوژیکی / الکساندر کالاتای: عشق زنبورهای کارگر (راه‌های عشق) / نیکالای  
آستروفسکی: چگونه فولاد آبداده شد / الکساندر فادیف: گارد جوان

- ۱۵۹ ..... خندیدن برای گریه نکردن  
ایلیف و پتروف / میخائیل زوشچنکو
- ۱۷۳ ..... شور و شوق آگنیست‌ها  
نی‌لای؟ میلیوف / اوسپ ماندلشتام / آنا آخمانووا
- ۱۸۵ ..... آندسین تالستوی — گنت کارگر — دهقان
- ۱۹۷ ..... ایلیا ارنبورگ — ادیب تحریک‌گر
- ۲۱۱ ..... پایان یخبندان
- ۲۲۹ ..... صدای روسیه  
باریس پاسترناک: دکتر ژوواگ
- ۲۴۹ ..... سال‌شمار رویدادها
- ۲۸۱ ..... کتاب‌شناسی
- ۲۹۵ ..... نمایه

## نویسنده و کمونیسم\*

جورج استاینر

ترجمه عزت‌الله فولادوند

یکی از چشمگیرترین تفاهت‌ها میان فاشیسم و کمونیسم این است که هیچ اثر بزرگ هنری ملهم از فاشیسم نبوده است. هیچ نویسنده‌ای از بالاترین مراتب نویسندگی (احتمالاً به استثنای مونترلان<sup>۱</sup> و سلین) به حوزه تأثیر فاشیسم درنیامده است. (ازرا پاوند<sup>۲</sup> فاشیسم نبود. او برای تبلیغ عقاید اقتصادی عجیب و غریب و نامتعارفی که داشت از بعضی مناسبت‌ها و زرق و برق فاشیسم استفاده می‌کرد.) کمونیسم، به عکس، با کمالات قدرت‌های محوری در بهترین آثار جدید ادبی بوده است، و آشنایی شخصی با کمونیسم در وجدان و فعالیت‌های ادبی بسیاری از برجسته‌ترین نویسندگان آن عصر تأثیر گذاشته است.

این تفاوت از کجاست؟ ایدئولوژی فاشیسم، بی‌شک، زشت‌تر و رذل‌تر و

\* این مقاله پیش‌تر در مجله *بهارا* (شماره ۶۷، مهر-آبان ۱۳۸۷) منتشر شده است. با سپاس از عزت‌الله فولادوند که اجازهٔ بازچاپ آن را دادند. — علی‌اصغر حداد.

۱. Henry de Montherlant، نویسندهٔ فرانسوی. — م.

۲. Ezra Pound (۱۸۸۵-۱۹۷۲)، شاعر امریکایی. — م.

هتاک‌تر از آن است که رحم و احسانی را که در مخیله اساس هنر ادبی است، به وجود آورد. کمونیسم، حتی به صورت زهرآگین، اسطوره آینده بشر و رویایی سرشار از امکانات اخلاقی است. فاشیسم، در نهایت، قاعده حاکم بر کردار اوباش آدمکش است. کمونیسم شکست می‌خورد زیرا می‌خواهد ایده‌آل مصنوعی انکار نفس و هدفمندی تاریخ را بر چندگانگی سرشت و کردار آدمیان حاکم کند. جباریت فاشیسم ناشی از تحقیر و خوارداشت آدمی است. جباریت کمونیسم معلول تلاش آن برای بالابردن آدمی بر فراز خطاهای شخصی و بلندپروازی‌های شخصی و عشق شخصی به چیزی است که آن را آر دی می‌نامیم.

تفاوتی مشخص تر نیز وجود دارد. هیتلر و گوبلس در بازی با زبان فریبکارانی زیر است بودند، اما حیات فکری و معنوی را محترم نمی‌شمردند. این حس در مارکس و انگلس آشکار است. هر دو از ژرفای وجود روشنفکر بودند. بالاترین بزرگداشت رالین نثار هنر کرد هنگامی که از آن هراسید و رمید و به قدرت برتر اسرارآمیز و مسحورکننده هنرهای تجسمی و موسیقی در مقابل تعجب اذعان آورد. تروتسکی ادیبی به پرطمطراق‌ترین مفهوم آن کلمه بود. نویسندگان آلمانی، حتی در حکومت استالین، در تعیین استراتژی کمونیستی نقش حیاتی داشتند. نویسندگان هدف تعقیب و آزار بودند و به قتل می‌رسیدند، زیرا تا عیصر داده شده بود که ادبیات نیرویی خطیر و بالقوه خطرناک است. نقطه حساس و تعیین‌کننده همین جاست. ادبیات، ولو به شیوه‌های بی‌رحمانه و با تحریف معنای آن، مورد تکریم و تعظیم بود، زیرا استالین به آن اعتماد نداشت. موقعیت نویسنده در اتحاد شوروی بار دیگر پیچیده و مشکل شد، حتی هنگامی که شدت یخبندان فکری و هنری رو به کاستی گذاشت. در تصور نمی‌گنجد که یک دولت فاشیست صرفاً با یک کتاب به لرزه درآید. ولی دکتر ژواگو باعث بحرانی عمده در زندگی روشنفکران روسیه کمونیست شد.

نویسندگان، خواه به طور غریزی و خواه در نتیجه تفکر و تأمل، همواره از موقعیت خاص خود در ایدئولوژی کمونیسم آگاه بوده‌اند. کمونیسم را جدی گرفته‌اند، زیرا کمونیسم ایشان را جدی گرفته است. بنابراین، هر تاریخی دربارهٔ رابطهٔ کمونیسم و ادبیات جدید، از پاره‌ای جهات، تاریخ هر دو آن‌هاست.

آقای یورگن روله<sup>۱</sup> یکی از چندین نویسنده و روشنفکری است که نخست مسألهٔ ادبی کمونیسم بوده و سپس از واقعیت استالینیستی گسسته است. روله نام پناهندگی به آلمان غربی، در مقام مورخی صاحب نظر و ناظر صحنهٔ ادبیات و تأثیر کمونیستی شهرتی استوار به دست آورده است. در کتاب ادبیات و انقلاب<sup>۲</sup> او نگارش تاریخ «نویسنده و کمونیسم» در سراسر جهان از ۱۹۱۷ تا ۱۹۶۰ است. کتاب پرحجم او ادبیات روس از بلوک<sup>۳</sup> تا دکتر ژیاگو را دربر می‌گیرد به شعر پابلو نرودا و داستان‌های ارسکین کالدول می‌پردازد، و دامنهٔ بحث را بر آراء سیاسی توماس مان تا نقد لوشون<sup>۴</sup> می‌گستراند. ادبیات و انقلاب با داشتن جدول سالشمار و کتابنامهٔ مفصل، هم اثری در نقد ادبی است و هم کتاب مرجع. نگاهی کوتاه به نمایه و عکس‌ها نشان می‌دهد که (به استثنای پروست و جویس) فاکنر) کم‌تر نویسندهٔ بزرگی در عصر ما در یکی از مراحل زندگی و فعالیت‌های او، سری از کمونیسم تأثیر نپذیرفته است.

نخستین بخش کتاب مصروف بازگویی سرنوشت ادبیات روس در دوران تسلط لنین و ژدانوف و خروشچوف است و حوزه‌ای آشنایری خاطر را دربر

1. Jürgen Rühle

2. *Literatur und Revolution*

۳. Alexander Blok (۱۸۸۰-۱۹۲۱)، شاعر روسی. -م.

۴. Lu Hsun (تلفظی که در متن آورده‌ایم به زبان اصلی چینی است) نام مستعار چو شوچن

(Chou Shu-Jen) (۱۸۸۱-۱۹۳۶)، نویسندهٔ چینی که بسیار مورد ستایش کمونیست‌های

چین بود ولی هرگز به حزب کمونیست نیوست. -م.

می‌گیرد. بار دیگر نبوغ و پایان تلخ کار بلوک و یسنین<sup>۱</sup> و مایا کوفسکی را از نظر می‌گذرانیم. نوشته روله دربارهٔ رمان بی‌نظم و مغفول ماندهٔ گورکی، زندگی کلیم سامگین<sup>۲</sup>، به ویژه جالب توجه است. روله با دلایل قانع‌کننده نشان می‌دهد که گورکی نتوانست آن داستان را به پایان ببرد، زیرا دیده بود که تعارض میان زندگی فردی و تشکیلات حزب کمونیست بسیاری از نویسندگان شوروی را یا به کویت یا به چنگال مرگ خواهد راند. روله سپس با تیزبینی به جنگ داخلی و ایساک بابل<sup>۳</sup> و شولوخوف می‌پردازد و نشان می‌دهد که شولوخوف همواره نویسنده‌ای کم‌پرست و ضد روشنفکر و درگیر تعصبات محلی بوده که توانسته است در آن واحد هم سخن از زبان ناسیونالیست‌ها و هم استالینیست‌ها بگوید. روله همچنین گزارشی خردپسند از طفره‌ها و شهامت‌های گهگاهی پیچ‌جایج ارنبورگ<sup>۴</sup> و بقای او در دورهٔ یخبندان [استالینی] و زنده ماندنش در زمان آب شدن یخ‌ها [در ایام خروشچوف] می‌دهد. و البته در سراسر این حکایت از حام پدیدآورندگان و آثار، همواره نقش مایهٔ تبعید و اعدام و خودکشی تکرار می‌شود.

سرانجام روله می‌رسد به پاسترناک. او پاسترناک را صدای راستین روسیه و ترسیم‌کنندهٔ آینده‌ای می‌بیند که عاقبت بر آن استبداد و ستمگری چیره خواهد شد. روله با ادمند ویلسن همداستان است که در آثارش دکتر ژواگو [در رمان دکتر ژواگو] اعتقاد ایدئولوژی کمونیسم به جبر تاریخ را به چالشی فرامی‌خوانند که مؤمنان به آن مسلک پاسخی در برابر آن ندارند. صدای این واقعیت که پاسترناک توانست با ماندن در اتحاد شوروی چنین عشق پرشور و شورشگری به تصور درآورد، خود ثابت می‌کند که حتی در زیر قشر یخ

۱. Sergey Aleksandrovich Yessenin (۱۸۹۵-۱۹۲۵)، شاعر روس. - م.

2. Life of Klim Samgin

۳. Isaac Babel (۱۸۹۴-۱۹۴۱)، نویسندهٔ روس که چندی مورد توجه کمونیست‌ها بود

ولی در ۱۹۳۷ در زمان استالین به سبیری تبعید شد. - م.

۴. Ilya Ehrenburg (۱۸۹۷-۱۸۹۱)، نویسنده و روزنامه‌نگار و تبلیغگر روس. - م.



انضباط حزبی باز هم روح روسیه زنده است. پاسترناک از نخستین خوانندگان شعری بود که یسین با خون خود برای وداع نوشته بود. او یادداشت خودکشی مایا کوفسکی را نیز دیده بود. سپس او در دکتر ژواگو دادخواستی علیه اتحاد شوروی به اتهام نادیده گرفتن زندگی فردی مردم به نگارش درآورده که دوستان شاعرش با شیوه غم‌انگیز مرگشان فقط در لفافه به آن اشاره کرده بودند.

حقیقت بزرگ نهفته در این قضیه را روله خوب بیان می‌کند. اما چون اخیراً سرتیاده شوروی نبوده است، متوجه نیست که دنیای لارا و دکتر ژواگو تا چه پایه از تخلفات اساسات نسل جوان کنونی دور است. کسانی که از آن کتاب می‌خوانند و می‌استه‌اند صدای آن را خاموش کنند، فرمانروایان کشورند که مرستی را خوب می‌دانند. نمی‌دانم جوانان آیا چیزی بیش از قصه‌ای تکان‌دهنده متعلق به عالم بیان با داستانی تاریخی دور از عصر خودشان مانند آنا کارنینا، در دکتر ژواگو می‌بینند؟

دومین بخش ادبیات و انقلاب است. ارزشمندترین بخش کتاب است که در آن، بر پایه تحقیق و استدلال درباره رابطه گره‌گیر کمونیسم و ادبیات آلمان بحث می‌شود. گراف نیست اگر گفته شود که در ۱۹۱۹ تاکنون شاید هیچ نویسنده سرشناس آلمانی نبوده که علناً در برابر کمونیسم اعلام موضع مثبت یا خصمانه نکرده باشد. میان تاریخ - محوری آیدالسم سیستماتیک ایدئولوژی مارکسیستی از یک سو، و روح آلمانی که حساستگه آن بوده است از سوی دیگر، خویشاوندی و قرابتی عمیق وجود دارد. روحشان می‌دهد که راست افراطی و چپ افراطی غالباً در زمینه مشترک گرایش‌های توتالیتیر به یکدیگر می‌رسند. پیمان هیتلر و استالین، هرچند فریبکارانه و زودگذر، تمثیل‌وار از رابطه‌ای واقعی حکایت می‌کرد.

گزارش روله درباره یوهانس پشیر<sup>۱</sup>، معروف به آرفئوس استالینیس، و اگون ارون کیش<sup>۲</sup>، تواناترین روزنامه‌نگار مدافع مارکسیسم، عالی است. با قرائت ظریفی که او از آثار آنا زگرس<sup>۳</sup> عرضه می‌کند، آشکار می‌سازد که چگونه آن هنرمند با پیچ و تاب‌هایی که به رمان‌های اخیرش می‌دهد، با نیمه‌راست‌ها و نیمه‌دروغ‌های «رنالیسم سوسیالیستی» به سازش می‌رسد. نقش ایده‌های مارکستی در رمان‌های تاریخی هاینریش مان<sup>۴</sup> با بحث‌های روله به خوبی روشن می‌شود. از مطالعه فصلی کاملاً مستند مشاهده می‌کنیم که اختلاف نظر هاینریش مان در مورد مان از دیالکتیکی به مراتب وسیع‌تر حکایت دارد – یعنی رویارویی ذهن و اندیشه آلمانی با کشش ناسیونالیسم راست از یک سو و انترناسیونالیسم راست از سوی دیگر.

در این‌جا نیز مانند بخش مربوط به ادبیات شوروی، موضوعی که زندگی هنرمندان مختلف را به یک یخ‌زمین پیوند، مرگ غیرطبیعی و نابهنگام است. صدای شاعران و درام‌نویسان و منتقدان آلمانی یکی پس از دیگری با تبعید یا قتل یا خودکشی خاموش می‌شوند. با خواندن این گاهنامه نابودی – اوسیتسکی<sup>۵</sup>، موزام<sup>۶</sup>، کورنفلت<sup>۷</sup>، تئودور وولف<sup>۸</sup>، فریدل<sup>۹</sup>، تoller<sup>۱۰</sup>، هازن کلور<sup>۱۱</sup>، ارنست وایس<sup>۱۲</sup>، اشتفان تسوایگ<sup>۱۳</sup> – می‌بینیم که ادبیات به راستی خطرناک‌ترین پیشه‌هاست.

پس از این بحث استادانه درباره ادبیات آلمان، روله در چند فصل کوتاه به سرعت به تأثیر کمونیسم در کامو و سارتر و ژید و مالرو و توار و سلین و آراگون، و همچنین به نویسندگان ایتالیایی – سیلونه و پاوزه و مالاپارته و مورایا و کارلو لوی – می‌پردازد؛ و بعد می‌رسد به بازی‌های پیچیده بعضی از

1. Johannes Becher

2. Egon Erwin Kisch

3. Anna Seghers

۴. Heinrich Mann (۱۸۷۱-۱۹۵۰)، نویسنده آلمانی و برادر بزرگتر توماس مان. -م.

5. Ossietzky

6. Mühsam

7. Kornfeld

8. Theodor Wolff

9. Friedel

10. Toller

11. Hasenclever

12. Ernst Weiss

13. Stefan Zweig

نویسندگان امریکایی مانند دوس پاسوس، آپتن سینکلر<sup>۱</sup>، استاین بک و همینگوی با مارکسیسم و رؤیاهای کمونیسم.

دو فصل آخر را روله به دو مرتد شورشگر در اردوگاه ادبیات مارکسیستی اختصاص می‌دهد، و درباره کتاب کوستلر ظلمت در نیمروز و کتاب اورول ۱۹۸۴ و خاطرات ندامت‌آمیز آندره ژید و استیون اسپندر<sup>۲</sup> بحث می‌کند، و سرانجام به ثبت واقعه شورش نویسندگان جوان لهستانی و مجار بر ضد استالین<sup>۳</sup> در ۱۹۵۶ می‌پردازد. در سرکوب‌های پس از آن واقعه در مجارستان، نویسنده‌ای به نام تیبور دِری<sup>۳</sup> به جرم رهبری «یک سازمان دشمن دولت» محکوم شد. این امر شوخی تلخی بر سر زبان‌های مردم بوداپست انداخت: «تو از سازمان چه بودی؟» جواب: «مردم مجارستان». در پایان این سیر و بررسی‌ها، روله یادی نیز از عده کثیری از نویسندگان در زندان‌های شوروی، افسان نویوی و چین می‌کند، و نشان می‌دهد که اتحاد ادبیات و کمونیسم همچنان پیوندی نزدیک ولی غم‌انگیز است.

1. Upton Sinclair

2. Stephen Spender

3. Tibor Dery